



مولانا؛ شاعری ایرانی با جلوه‌های جهانی / تجلی حیات عرفانی مولانا و شمس تبریزی در مثنوی معنوی

هشتم مهر در ایران به عنوان «روز بزرگداشت مولانا»، شاعر برجسته‌ی کشورمان نام‌گذاری شده است.

هشتم مهر در ایران به عنوان «روز بزرگداشت مولانا»، شاعر برجسته‌ی کشورمان نام‌گذاری شده است، این شاعر در آثار خود با زبان‌های مختلف به ترویج عشق و صلح پرداخته و پس از آشنایی با «شمس تبریزی» به نوشتن «مثنوی معنوی» پرداخت. مولانا برای حفظ زبان مادری خود بر نوشتار زبان پارسی تاکید داشت و اکثر آثار خود را به این زبان نگارش کرد. شخصیت مولوی دارای ظرفیت‌های علمی و عرفانی فراوانی است که در کشورهای همسایه به ویژه ترکیه به آن پرداخته شده و تلاش مولوی پژوهان و فعالان فرهنگی کشورمان را برای ترویج ارزش‌های این شاعر ایرانی بیش از پیش می‌طلبد.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، در تقویم رسمی کشور ایران روز هشتم مهر به عنوان «روز بزرگداشت مولوی» ثبت شده است. جلال‌الدین محمد بلخی معروف به مولوی در ششمین ربیع‌الاول سال ۶۰۴ هجری قمری در شهر بلخ دیده به جهان گشود. مولوی از مشهورترین شاعران ایرانی تبار پارسی‌گوی است. نام کامل وی «محمد ابن محمد ابن حسین حسینی خطیبی بکری بلخی» بوده و در دوران حیات به القاب «جلال‌الدین»، «خداوندگار» و «مولانا خداوندگار» نامیده شده است. در قرن‌های بعد (ظاهراً از قرن ۹) القاب «مولوی»، «مولانا»، «مولوی رومی» و «ملای رومی» برای وی به کار رفته است و از برخی از اشعارش تخلص او را «خاموش» و «خاموش» و «خامش» دانسته‌اند. زبان مادری وی پارسی بوده است.

مولانا، از کودکی در مسیر فلسفه و عرفان

پدر مولانا، محمدبن حسین خطیبی بود که به دلیل دانش بالا و شخصیت برجسته اش او را با القابی مانند «بهاء‌الدین ولد» و «سلطان‌العلماء» خطاب می‌کردند. بهاء‌الدین در جوانی بلخ را ترک کرد و در مسیر حرکت به سمت مکه برای انجام مناسک حج در شهر نیشابور، «شیخ عطار» به ملاقات او آمد. در آن زمان جلال‌الدین مولانا کوچک بود که عطار نیشابوری نسخه‌ای از «اسرارنامه» را به او هدیه داد و او را بسیار ستایش کرد. مولانا این کتاب شیخ عطار را در طول حیات خود همیشه به همراه داشت.

دلیل اصلی مهاجرت بهاء‌الدین و خاندانش از بلخ، اختلاف با خوارزمشاهیان و اعمال فشارهای حکومتی بود. از طرفی، حمله‌ی مغولان به ایران و غارت و کشتار آنان نیز جان‌علماء و ادیبان را تهدید می‌کرد. هم‌زمان با این اتفاقات، «علاء‌الدین کیقباد سلجوقی» در شهر قونیه از بهاء‌الدین دعوت کرد تا به این شهر برود. در این زمان مولانا تنها ۱۲ سال داشت. پس از گذشتن از شهرهای فراوان، بهاء‌الدین و خانواده اش در قونیه ساکن شدند.

پس از مرگ بهاء‌الدین در قونیه، به درخواست مریدان پدر، مولانا که جوانی ۲۵ ساله بود، جای پدرش را گرفت و به تعلیم علوم و مفاهیم عرفانی پرداخت و دو سال بعد اولین سفرش را به شام آغاز کرد. شهرهای مختلف شام مانند دمشق و حلب میزبان علمایی بود که در طول سال‌های گذشته از بیم حمله مغول به این شهرها پناه آورده بودند. مولانا نیز پس از شام به شهر حلب رفت و تعالیم عرفان و فلسفه را ادامه داد. از مدت اقامت مولانا در این شهرها اطلاع دقیقی در دست نیست، اما در مجموع حدود هفت سال را در این شهرها گذراند. توصیف‌های عاشقانه و پرشور مولانا از شام و دمشق نشان می‌دهد که به احتمال زیاد اولین بار «شمس تبریزی» را در این شهرها ملاقات کرده است.

پس از آن، مولانا به قونیه برگشت، جایی که خاندانش در آن ساکن بودند و از بدو ورود به قیصریه، علماء و عرفای شهر به استقبالش آمدند. ملاقات‌های شمس و مولانا و تاثیر عمیق شمس تبریزی بر زندگی مولانا در همین دیدارها در قونیه اتفاق افتاده است.

مولانا در طول سال‌های حیاتش سفرهای زیادی رفت و پس از غیبت شمس تبریزی، با بزرگان دیگری نیز مانند «برهان صلاح‌الدین» و «حسام‌الدین چلبی» معاشرت می‌کرد. صلاح‌الدین مردی زاهد، موقر و آرام بود و به همین جهت توانست جوش و خروش مولانا را در فراق شمس آرام کند؛ اما مولانا ۱۵ سال پایانی عمرش را در جوار حسام‌الدین چلبی گذراند که بار دیگر دریای آرام درون مولانا را طوفانی می‌کرد. هم‌نشینی مولانا با صلاح‌الدین سبب خلق اثر برجسته «مثنوی معنوی» شد که از بزرگ‌ترین گنجینه‌های ادبیات عرفانی ایران و تصوف شمرده می‌شود.

مولانا در تاریخ پنجم جمادی‌الآخر سال ۶۷۲ هجری قمری مصادف با چهارم دی سال ۶۵۲ هجری شمسی، به دلیل تب سوزان و بیماری در ۶۶ سالگی از دنیا رفت. خویشان و بستگان مولانا در آخرین لحظه‌های زندگی اش بر بالینش حضور داشتند و پس از مرگ او، مردم قونیه از مسلمانان گرفته تا مسیحی و یهودی چهل روز در غم از دست دادن مولانا عزاداری کردند.

تحول حیات مولانا با ملاقات شمس تبریزی

«شمس تبریزی» در حدود سال ۶۴۲ هجری قمری به مولانا پیوست و چنان او را شیفته و مجذوب کرد، که درس و وعظ را کنار گذاشت و به شعر و ترانه و دف و سماع پرداخت و از آن زمان طبعش در شعر و شاعری شکوفا شد و به سرودن اشعار پرشور عرفانی پرداخت. کسی نمی‌داند شمس تبریزی به مولانا چه گفت و چه آموخت که این‌گونه دگرگونش کرد، اما واضح است که شمس تبریزی عالم و جهان‌دیده بود و برخی به خطا گمان کرده‌اند که او از حیث دانش و فن بی‌بهره بوده است. مریدان وقتی که

مشاهده کردند مولانا توجهی به آنان نمی کند و فقط به شمس می اندیشد؛ در صدد قتل او برآمدند، اما شمس به کمک بهاءالدین محمد ولد پسر بزرگ مولانا و چند نفر از مریدان وفادار در روز پنجشنبه ۲۱ شوال سال ۶۴۳ از قونیه گریخت و به دمشق رفت. مولانا از غیبت شمس تبریزی ناآرام، دگرگون و افسرده شد. مریدان که دیدند رفتن شمس تبریزی نیز مولانا را متوجه آنان نساخت، با پشیمانی از مولانا پوزش ها خواستند.

مولوی با دیدار مجدد شمس تبریزی، شیفته تر شد و با دیدن محبوب خود، دل از همه کند و باز مثل گذشته تنها با او به صحبت نشست. یاران او که می دیدند مولوی دانشمند، این گونه به همه چیز پشت پا زده، علت این دگرگونی را در آشنایی او با شمس می دانستند. بنابراین با وجود این که یک بار با بدگویی های خود، شمس را رنجیده خاطر کردند و موجب مسافرت او به دمشق شدند با این حال، دست از دشمنی و ستیزه جویی برنداشتند و بذر کینه را در دل مردم قونیه کاشتند و تصمیم گرفتند که نقشه ی نابودی شمس را بکشند و استاد خود را از دست شمس نجات دهند.

عده ای بر این باورند که شمس بعد از این که متوجه نقشه ی آنان شد، تصمیم گرفت از شهر قونیه برای همیشه برود و این بار به گونه ای برود که کسی متوجه سفر او نشود و نداند که به کجا رفته و چه زمانی سفر کرده است و دیگر هم به آن سرزمین بازنگردد تا از کج اندیشان رهایی یابد. برای همین شمس در سال ۶۴۵ هجری قمری قونیه را ترک کرد و به نقطه ی نامعلومی سفر کرد. البته عده ای نیز گفته اند که شمس قونیه را ترک نکرد، بلکه به دست یاران مولوی در چاهی انداخته شد و بدین ترتیب کشته شد.

مولانا از دوری شمس تاب و توان خود را از دست داد و روز و شب به سماع پرداخت و حال آشفته اش در شهر بر سر زبان ها افتاد. او هرچند دیگر شمس تبریزی را نیافت؛ ولی حقیقت شمس تبریزی را در خود یافت! و دریافت، آنچه که او در پی آن است، در خودش حاضر و محقق است. مولانا رقص و سماع را از سر گرفت و جوان و خاص و عام مانند ذره ای در آفتاب پُر انوار او می گشتند و چرخ می زدند. مولانا سماع را وسیله ای برای تمرین رهایی و گریز می دید. چیزی که به روح کمک می کرد تا در رهایی از آنچه او را مقید در عالم حس و ماده می دارد، پله پله تا بام عالم قدس عروج کند.

آثار مولانا

در تمامی آثار مولانا می توان ویژگی های خاصی را پیدا کرد، اشعاری که در مدح و ستایش پروردگار و تمثیل هایی از قرآن سروده شده اند. مهم ترین و بزرگ ترین اثر مولانا «مثنوی مولوی» بوده که در ۶ جلد و ۲۷ هزار بیت به رشته ی تحریر درآمده است. این کتاب که بخش هایی از آن در مراسم بزرگداشت مولانا هم خوانده می شود، زمانی توسط مولانا نوشته شد که وی بیش از ۵۰ سال داشت و شمس تبریزی او را ترک کرده بود. مولانا که خود آن را «معراج حقایق» می نامد، از این کتاب به عنوان اصول دین یاد کرده و بیت زیر در سرآغاز آن قرار دارد:

بشنو از نی چون حکایت می کند از جدایی ها شکایت می کند

با مطالعه و تحقیق در این اثر که درون مایه ای به سمت خودشناسی، عرفان و ستایش پروردگار دارد، به این نتیجه می رسیم که مثنوی مولوی علم تفسیر نبوده بلکه دارای تعبیر عرفانی است. اثر دیگر مولانا «دیوان شمس تبریزی» یا «دیوان کبیر» نام دارد که ابیاتی به زبان های فارسی، ترکی، عربی و یونانی در آن جای گرفته اند. بخش اعظم این دیوان، ۳۵ هزار بیت به زبان فارسی نوشته شده و بخش بسیار محدودی به زبان های دیگر است. فیه مافیه، مجموعه سخنان حضرت مولانا در مجالس اوست که توسط یکی از مریدانش و پسرش سلطان ولد گردآوری شده است.

از دیگر آثار رومی می توان به مجالس سبعه، رباعیات و مکتوبات اشاره کرد. تمامی این آثار به زبان های روز دنیا هم ترجمه شده اند و در دسترس قرار دارند. در مجموع، آثار شاخص این شاعر برجسته به شرح زیر است:

- مثنوی معنوی: مثنوی معنوی که به زبان فارسی است.

- غزلیات شمس: غزلیات شمس، غزلیاتی است که مولانا به نام مراد خود شمس سروده است.

- رباعیات: حاصل اندیشه های مولاناست.

- فیه مافیه: که به نثر و حاوی تقریرات مولانا است که گاه در پاسخ پرسشی است و زمانی خطاب به شخص معین.

- مکاتیب: حاصل نامه های مولاناست.

- مجالس سبعه: سخنانی است که مولانا در منبر ایراد فرموده است.

بالاخره روح ناآرام جلالالدین محمد مولوی در غروب خورشید روز یکشنبه پنجم جمادی الاخر سال ۶۷۲ هجری قمری بر اثر بیماری ناگهانی که طیبیان از درمان آن عاجز گشتند، به دیار باقی شتافت.

مراسم بزرگداشت مولانا

همان طور که پیش تر گفتیم، مراسم بزرگداشت مولانا در دسامبر هر سال در یک بازه ی زمانی ۱۰ روزه برگزار می شود. آغاز مراسم با جوانانی است که لباس های کهن عثمانی را به تن می کنند و از تپه ی کی قباد با ساز و دهل به سمت آرامگاه مولانا حرکت می کنند. تپه ی کی قباد محل آشنایی شمس تبریزی و مولانا است. مراسم بزرگداشت مولانا در سالن مرکز فرهنگی مولانا در قونیه برگزار می شود. پیام اصلی مراسم و رقص های آن عبارت است از «هدف ما در زندگی عشق است».

جزء اصلی مراسم بزرگداشت مولانا، رقص چرخشی و «سماع» درویش های صوفی است. پیروان مذهبی مولانا با لباس های سفید دامن دار دور یکی از اعضا می چرخند. شخص مرکزی یا رهبر گروه، نماد خورشید و بقیه ی پیروان، نماد مدارهای ستارگان و ماه هستند. در طول رقص سماع، یک دست به سمت آسمان و دیگری به سمت زمین است. دست رو به آسمان انرژی مثبت را دریافت کرده و دست پایین انرژی منفی را از طریق زمین دفع می کند. مراسم بزرگداشت مولانا که از آن به عنوان شب عروسی

هم یاد می شود، دارای ۴ رقص بوده که نمادی از ۴ فصل سال، ۴ عنصر طبیعت و ۴ دوره ی سنی هستند. این رقص ها به ۷ بخش با موضوعات آهنگین متفاوت تقسیم می شوند. سماع در لغت به معنای شنوایی و آوای گوش نواز است. همچنین در صوفیه به رهایی و از خویشتن جدا شدن اشاره دارد. از دیگر برنامه های مراسم بزرگ داشت مولانا، سخنرانی و شعرخوانی است. یکی از دلایلی که محبوبیت این بزرگ داشت را تایید می کند، فستیوال جهانی موسیقی عرفانی است.

قونیه، محل برگزاری مراسم بزرگداشت مولانا

محل اصلی برگزاری مراسم بزرگ داشت مولانا، آرامگاه او در قونیه است که از شهرهای مهم و توریستی ترکیه محسوب می شود. قونیه با بیش از دو میلیون نفر جمعیت، هفتمین شهر بزرگ ترکیه است. این شهر بیش از ۷ هزار سال قدمت دارد و جزو معدود شهرهایی است که در طول تاریخ سالم مانده و به دنیای مدرن پا گذاشته است. از جمله دورانی که در این شهر گذشته اند می توان به فرا نوسنگی، عصر برنز، دوران هیتی ها، لیدی ها، رومیان و پارسیان اشاره کرد. قونیه که به شهر درویش های مرید مولوی هم شهرت دارد، شهری با دیدگاه های مذهبی و اسلامی عمیق است. قونیه با آب و هوایی سرد و خشک و تابستان های گرم ۲۲۰ کیلومتر از آنکارا فاصله دارد. شهری که مراسم بزرگداشت مولانا در آن برگزار می شود، به نسبت دیگر شهرهای توریستی ترکیه، بسیار آرام بوده و مردمی به شدت خونگرم را در خود جای داده است.

جایگاه بین المللی مولانا

«علی اصغر شعر دوست» سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان، در همایش گرامی داشت مولانا، اظهار کرد: «مولانا جلال الدین محمد بلخی یکی از شخصیت های بزرگ جهانی است که نقش فراوانی در احیا و غنای فرهنگ و عرفان ایرانی و فرهنگ بشری ایفا کرده است به طوری که به دلایل گوناگون بر تارک زبان و ادبیات فارسی و عرفان اسلامی و بلکه ادبیات جهان ننشسته است. او به باور تمام محققان اعم از خاورشناسان غربی و اندیشمندان اسلامی و ایرانی، یکی از آباء بی نظیر انسانیت است که دین و معرفت عرفانی را با امر قدسی و تجربه ی دیدار با عوالم برتر، درآمیخته است.»

وی در بزرگی این ابرمرد، گفته های برخی از شیفتگان وی از جمله «هرما هسه»، «ادوارد براون»، «نیکلسون»، «آندرو هاروی»، «فرانکلین لوئیس» و «مولانا عبدالرحمان جامی» را مطرح کرد و گفت: «مولانا، نخستین سفیر صلح جهان است که همه مردم را فارغ از زبان، رنگ، قوم و نژاد، به همدلی دعوت می کند. مولوی به طرز بی سابقه و کم نظیری غزل و تصوف را به هم درآمیخت. مفاهیم عرفانی را چنان با زبان غنایی و عاشقانه ای ادا کرده است که جذب و هضم آن جز برای طبایع خاص، ظریف و نادرپسند که معنویت را در موسیقی و غنا جست وجو می کنند، دشوار است.»

بنیاد بین المللی مولانا در ۱۴ مارس سال ۱۹۹۶ در کشور ترکیه توسط محمدباقر چلبی بیست و دومین نواده ی پسری مولانا طبق سچرنامه ای که «فروزان فر» و «گولپینارلی» منتشر کرده اند، راه اندازی شد و در ۲۲ کشور جهان شعبه دارد و هریک از این شعبه ها در راستای اهداف بنیاد، برنامه های مولانا پژوهی را پی می گیرند.

بیشتر اعضای این بنیاد تحصیلات آکادمیک مرتبط با مولانا پژوهی دارند و تعدادی از اعضای هیأت دولت ترکیه نیز در این بنیاد عضویت دارند تا برنامه های بنیاد را به اطلاع دولت ترکیه برساند و در صورت لزوم برای پیگیری برنامه های بنیاد، حمایت خود را معطوف به بنیاد کنند. «فاروغ همدم چلبی» هم اکنون ریاست فرقه ی مولویه و مدیر بنیاد بین المللی مولانا، مسئولیت حفظ و نشر سنت خاندان سنتی و تاریخی چلبی را بر عهده دارد و «اسین چلبی» هم اکنون قائم مقام بنیاد بین المللی مولانا است.

دهمین همایش علمی شمس و مولانا در خوی

دهمین همایش علمی و بین المللی شمس و مولانا اخیرا با حضور شمس و مولانا پژوهان و چهره های برجسته ی فرهنگی داخلی و خارجی در خوی آغاز شد. در این همایش که همزمان با ۷ و ۸ مهر، «روز ملی شمس و مولانا» برگزار می شود، ۱۷ نفر از شمس و مولانا پژوهان داخلی و خارجی ابعاد مختلف شخصیت شمس و مولانا و تاثیرات پیوند معنوی این دو شخصیت فرهنگی را در عرصه عرفان و ادب بررسی می کنند.

در روز نخست این همایش، شمس و مولانا پژوهان از ایران و کشورهای ترکیه، پاکستان و هندوستان ۶ عنوان مقاله به صورت سخنرانی با موضوعات شمس و مولانا، عرفان اسلامی در حوزه آذربایجان، روند نهادی توسعه بازتاب های بین المللی مولانا در ترکیه، تبیین و تحلیل تاثیر شخصیت شمس و جایگاه خرد انتقادی در مقالات شمس را ارائه کردند. مثنوی خوانی، برگزاری ورزش های زورخانه ای و اکران فیلم «مست عشق» از مهمترین برنامه های جنبی این همایش است.

با توجه به مطالب فوق، مولانا به عنوان شاعر و عارف برجسته ی ایرانی، دارای جایگاه بین المللی قابل توجهی در حوزه فلسفه و عرفان است که، ابعاد علمی آن در کشورهای منطقه مورد بهره برداری قرار می گیرد و در همین راستا از مسئولان فرهنگی کشورمان انتظار می رود، در راستای ترویج ارزش های ایرانی - اسلامی این شاعر ملی، تنها به برگزاری همایش های علمی اکتفا نکرده و از تمام ظرفیت های فرهنگی و هنری استفاده کنند، البته تولید فیلم «مست عشق» طی همکاری با کشور ترکیه، از جمله اقدامات مفید و موثر در این زمینه محسوب می شود.